

## تحلیل ساختاری و نشانه‌معناشناختی قصه‌ی کوتاه و عامیانه‌ی «برگ مروارید»

محتشم محمدی \*

مطهره الله دادی \*\*

علی محمد محمودی \*\*\*

### چکیده

بررسی و نقد لایه‌های صوری و معنایی قصه‌های ایرانی در شمار پژوهش‌های نقد ادبی می‌گنجد. قصه‌های عامیانه از حیث محتوا و ساختار، دارای ارزش‌های فرهنگی و ادبی هستند. هدف این پژوهش، بررسی قصه‌ی عامیانه «برگ مروارید» از مجموعه‌ی قصه‌های ایرانی (۴۱ متن قصه و ۳۵ روایت) گردآوری و تألیف انجوی شیرازی است. انجوی شیرازی این قصه‌ی کوتاه را از راوی، علی محمد فرهادی، اهل توسک سفلی ملایر شنیده و در این مجموعه ثبت کرده است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای و به‌کار بستن نظریه‌ی نشانه‌معناشناختی گریماس انجام شده است. ساختار و بافت قصه، شیوه‌ی آفرینش و دریافت معنا در این روش اساس بررسی است. گریماس در پی آن بود که برای مطالعه‌ی روایت، الگویی منسجم را ارائه دهد که بعدها آن را نشانه‌معناشناسی نوین نامیدند؛ به باور گریماس آنچه اهمیت دارد، شناخت فرایند تولید متن از زمان انتقال تا دریافت، برپایه‌ی عناصر شوشی و کُنشی است؛ به این ترتیب

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون mohtasham@kazerunsfu.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون motahareallahdadi@gmail.com

\*\*\* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون mahmoodi@kazerunsfu.ac.ir

می‌توان ادبیات داستانی را بستری مناسب برای کاوش‌های گفتمانی و تلفیق ادبیات و گفتمان دانست؛ زیرا روایت مبتنی بر زبان‌شناسی، دریچه‌های تازه‌ای در عرصه‌ی ادبیات داستانی باز می‌کند. در این پژوهش با بهره‌گیری از درون‌مایه‌ی قصه‌ی «برگ مروارید»، گونه‌های مختلف نظام گفتمانی هوشمند و عوامل آن‌ها را استخراج کردیم و به این نتیجه رسیدیم که هرچند این قصه برآمده از فرهنگ عامه است و ساختاری سستی دارد، در عین حال از الگوی ساختاری و روایتی نظام‌مند و معنادار برخوردار است و با نظریه‌ی نشانه‌معناشناسی گریماس انطباق بسیار زیادی دارد؛ از جمله اینکه فرایند روایی تغییر معنا نیز در این قصه، با گذر از مراحل عقد قرارداد، عملیات اصلی (توانش و کشش) و ارزیابی شناختی و عملی اتفاق افتاده است.

**واژه‌های کلیدی:** ساختار قصه، قصه‌ی برگ مروارید، قصه‌ی عامیانه‌ی ایرانی، گریماس، گفتمان، نشانه‌معناشناسی.

#### ۱. مقدمه

بررسی داستان‌ها و قصه‌های فارسی و به‌ویژه مطالعه‌ی قصه‌های مردمی و عامیانه از دریچه‌ی نظریه‌های ادبی نوین، ما را با جهان‌های درونی، برونی، شکلی و محتوایی این آثار بهتر و بیشتر آشنا می‌سازد. عنصر روایت و خصوصیات داستانی در داستان‌های مطرح یا کمتر شناخته‌شده باید پژوهش و مطالعه شوند تا مخاطبان با دیدگاهی تازه به لایه‌های صوری و معنایی نهفته در زبان و روایت و محتوای چنین داستان‌هایی دست یابند. روایت‌شناسی علمی است که با هدف کشف دستور زبان جهانی روایت‌ها به بررسی فنون و ساختارهای روایی یک اثر ادبی می‌پردازد و حاصل مطالعات ساختارگرایانی است که در پی تحلیل متون ادبی و غیرادبی بودند. قصه‌های عامیانه و مردمی در فرهنگ ایرانی ارزش والایی داشته است. روایت سینه‌به‌سینه و نقل شفاهی چنین قصه‌هایی سال‌های سال میان مردم ایران رواج داشته است و از طرفی دیگر، چنین قصه‌هایی با سرشت ناخودآگاه جمعی بشر گره خورده است که همین امر سبب شده است تا قصه‌های عامیانه‌ی فارسی تمام خصایص اسطوره‌ای و ساختار و بافت قصه‌های جهانی دارا باشند. بخش بسیاری از این چنین قصه‌هایی را در عصر کنونی به‌رشته‌ی تحریر و کتابت درآورده‌اند و

کوشندگانی باهمت به ثبت و ضبط چنین قصه‌هایی از مردم گوشه و کنار ایران همت گماشته‌اند. سیدابوالقاسم انجوی شیرازی کتاب *قصه‌های ایرانی* را در پنج مجلد (۱۳۵۲) تألیف کرد و انتشار داد، جلد اول این مجموعه حاوی ۴۱ متن و ۳۵ روایت مختلف ایرانی است. ایشان باور دارند این قصه‌ها افزون‌بر گیرایی و زیبایی ساده‌ای که دارند، از حیث اصول داستان‌پردازی هم سخت استوار و به‌هنجارند، هیجان به‌موقع، اوج و حسیض آن به‌جا... و با اصول داستان‌نویسی امروز خیلی نزدیک می‌نماید» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۲: یازده). انجوی خود باور دارد زمانی این قصه‌ها بهتر جلوه می‌کنند که از لحاظ هنری و فنی و با قصه‌های فعلی مقایسه شود؛ در باور وی، قصه‌های امروزی که به تقلید از قصه‌های غربی و ظاهراً برای کودکان بی‌گناه ما نوشته می‌شود نه به درد خردسالان می‌خورد و نه بزرگ‌ترها از آن چیزی درمی‌یابند؛ و اگرچه گرده‌ای ناقص و رنگی پریده و طرحی علیل از قصص عامیانه دارد، چندان پیرایه‌ی نامتناسب از داستان‌نویسی غربی بر آن‌ها بسته‌اند که برای کودک و برنا و همه، غریب می‌نماید (رک. همان: دوازده). با این اوصاف به‌دلیل گرده‌خوردگی قصه‌ی «برگ مروارید» با فرهنگ عامه و ادبیات کودک و نوجوان چنین مطالعه‌ای شکل گرفته است.

## ۲. بیان مسئله

بررسی ساختار و نظام مشترک قصه‌ها از اولویت‌های پژوهشی بسیاری از محققان این زمینه بوده است. پراپ با بررسی صد قصه‌ی عامیانه‌ی روسی مشهور به قصه‌های پریان، دریافت که می‌تواند تمام این قصه‌ها را به نظام مشترکی تقلیل دهد که از عناصری به‌هم‌پیوسته تشکیل شده است. پراپ نشان داد که می‌توان ساختار نهایی روایت را یافت و این روش پژوهشی او راه‌گشای بسیاری از مطالعات گسترده در زمینه‌ی روایت شد (رک. عباسی، ۱۳۹۵: ۵۴ و ۵۵). پس از پراپ، گریماس درصدد تکمیل نظریه‌ی او برآمد و کوشید تا الگویی منسجم و فراگیر را برای مطالعه‌ی روایت ارائه دهد. او با انتشار کتاب *معناشناسی ساختاری* (۱۹۶۶)، نظریه‌ی معناشناسی روایت را مطرح کرد که در پی روشمندکردن مطالعه و بررسی متون یا کلام براساس مکتب فرانسه است؛ این نظریه

در خدمت تجزیه و تحلیل گفتمان بوده و به منزله‌ی کلیدی برای گشایش درهای متن یا کلام است که با گونه‌ای برش یا تقطیع کلامی در متن، معنا را به دست می‌آورد (رک. شعیری، ۱۳۹۷: ۴). به باور گریماس ساختارهای گوناگون روایت (ساختار کنشگران، ساختار ارزشی، نمودی، روایی، عینی، ضمنی، حسی و ادراکی) را می‌توان به دو ساختار انتزاعی و عینی تقسیم کرد؛ سپس فرایند تقطیع کلامی را از ژرف ساخت که جایگاه داده‌های انتزاعی است - شروع کرد و به سوی روساخت که جایگاه داده‌های عینی است و معنا در آنجا ظاهر می‌شود، پیش رفت. گریماس گذر از لایه‌های ژرف و انتزاعی به سوی لایه‌های رویی و عینی را «سیر زایشی معنا» نامید و نظامی را که در فرایند تجزیه و تحلیل متن یا گفتمان کشف می‌شود، با نام الگوی زایشی یاد کرده است (رک. عباسی، ۱۳۹۵: ۶۸). در فرایند معناسازی، **کُنش و شَوش** در موضع عوامل گفتمانی مهم، با ایجاد تغییر از یک وضعیت به وضعیتی دیگر و سپس حالت‌های پس از تغییر، گفتمان را به وجود می‌آورند. اگر نظام گفتمانی برمبنای کارکرد عوامل گفتمانی باشد، از اصل **کُنش** و اگر نظام گفتمانی برمبنای شیوه‌ی حضور باشد از اصل **شَوش** پیروی می‌کند. نظام‌های گفتمانی را که هر کدام به وجهی با این دو اصل مهم در ارتباطند می‌توان به سه دسته‌ی کلی تقسیم کرد: نظام گفتمانی هوشمند، نظام گفتمانی احساسی و نظام گفتمانی رخدادی (رک. شعیری، ۱۳۸۶: ۱۰۶ و ۱۰۷).

این جستار طی فرایندی نشانه‌معناشناختی به واکاوی نظام‌های گفتمانی از جمله نظام گفتمانی هوشمند (گفتمان کنشی، گفتمان القایی و گفتمان مرام‌مدار) در قصه‌ی «برگ مروارید» از جمله قصه‌های عامیانه و کوتاه ایرانی پرداخته است. دلیل‌گزینش این قصه، منطق کنشی حاکم بر آن و ساختار منسجمی است که این قصه دارد. بررسی نشانه‌معناشناسی این قصه به این پرسش‌ها پاسخ داده است که بیشتر کدام نظام گفتمانی بر قصه‌ی «برگ مروارید» حاکم است؟ آیا در شکل‌گیری گفتمان‌های قصه‌ی «برگ مروارید» به جز اصل کنش، اصل شوش هم دخیل است؟ روند شکل‌گیری معنا و فرایند روایی در این قصه به چه صورت است؟ تمام این عوامل سبب شناخت خواننده از فرایند روایی این قصه و درک رابطه‌ی روساخت و ژرف‌ساخت هر

گفتمان، در فرایند تولید معنا و دستیابی به زاویه‌ی دیدی متفاوت درباره‌ی بخشی از گنجینه‌ی فرهنگ مردم ایران زمین است.

### ۳. پیشنهادی پژوهش

کتاب، پایان‌نامه یا مقاله‌ای به‌طور مستقل و جامع، در زمینه‌ی نظام‌های گفتمانی در قصه‌ی «برگ مروارید»، باتکیه بر نظریه‌ی گریماس انجام نشده است؛ ولی پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌هایی که نزدیک به این موضوع شکل گرفته‌اند، به شرح زیر است:

در میان داستان‌های کودکان، پایان‌نامه‌ی تحلیل داستان‌های کودکان بر مبنای نظریه‌ی گریماس در افسانه‌های کهن، از نیازی (۱۳۹۴) به بررسی قصه‌های صبحی مهدی براساس الگوی کنشی (در قالب شش کنشگر و زنجیره‌های روایی) گریماس پرداخته و میزان تطبیق قصه‌ها را با این الگو بیان می‌کند. مقاله‌ی «بررسی ساختار روایی داستان کودکان بر مبنای نظریه‌ی گریماس» از نبی‌لو (۱۳۹۲)، به بررسی گزیده‌ای از قصه‌های صبحی مهدی براساس الگوی کنشی (در قالب شش کنشگر و زنجیره‌های روایی) گریماس پرداخته و مطابقت کامل داستان کودکان با الگوی گریماس را بیان می‌کند و اینکه داستان‌های کودکان با وجود ظاهری ساده از ساختار روایی کاملی برخوردارند. پایان‌نامه‌ی بررسی رمان پل معلق محمدرضا بایرامی براساس نظریه‌ی پراپ و گریماس، از جباری (۱۳۹۵)، به بررسی رمان پل معلق براساس الگوی ریخت‌شناسی پراپ و الگوی کنشی (در قالب شش کنشگر و زنجیره‌های روایی) گریماس پرداخته و به این نتیجه رسیده است که داستان‌های امروزی هم از ساختار مشترکی الگو می‌گیرند و بخشی از خویشکاری‌ها و هفت حوزه‌ی عمل پراپ و ویژگی‌های الگوی کنشی گریماس در این رمان یافت می‌شود. همچنین مقاله‌ی «نشانه‌معناشناسی ساختار روایی داستان (و ماتشاوون) براساس نظریه‌ی گریماس» از روشنفکر و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی نشانه‌معناشناختی داستان «و ماتشاوون» پرداخته‌اند. پژوهشگران گفتمان غالب بر این داستان را گفتمان کنشی دانسته‌اند که گونه‌هایی از گفتمان احساسی هم در آن دیده

می‌شود. در بررسی رمان‌های معاصر، پایان‌نامه‌ی بررسی نشانه‌معناشناسی روایت در رمان‌های عباس معروفی براساس نظریه‌ی روایی گریماس (مطالعه‌ی موردی: رمان‌های سمفونی مردگان، سال بلوا و پیکر فرهاد) از حدادی‌نیا (۱۳۹۵)، سه رمان عباس معروفی را براساس نظریه‌ی نشانه‌معناشناسی روایی گریماس بررسی کرده و رمان سمفونی مردگان را ترکیبی از نظام‌های گفتمانی هوشمند، احساسی، رخدادی و القایی دانسته و گفتمان غالب در رمان سال بلوا را گفتمان حسی ادراکی و در تحلیل گفتمانی رمان پیکر فرهاد به جنبه‌ی حسی ادراکی گفتمان پرداخته است. پایان‌نامه‌ی بررسی ساختار روایی داستان سیاوش برپایه نظریه‌ی نشانه‌معناشناسی روایی گریماس از خراسانی (۱۳۸۹)، داستان سیاوش از شاهنامه‌ی فردوسی را براساس نظریه‌ی نشانه‌معناشناسی گریماس بررسی کرده و باتوجه‌به عوامل مهم گفتمانی به بررسی سیر داستان پرداخته و سیر معنا را در ژرف‌ساخت داستان بررسی، تحلیل و تبیین کرده است که هر سه نظام گفتمانی (هوشمند، احساسی و رخدادی) را حاکم بر این داستان می‌داند. سلیمی نیز در پایان‌نامه‌ی تحلیل ساختاری قصه‌های کتاب گل به صنوبر چه کرد براساس نظریه‌های ولادیمیر پراپ (۱۳۹۱)، به تحلیل ساختاری قصه‌های کتاب گل به صنوبر چه کرد، براساس الگوی ریخت‌شناسی پراپ پرداخته و به این نتیجه رسیده است که قصه‌های این کتاب با دیدگاه پراپ به‌جز در نمونه‌های معدودی، همخوانی کامل دارد. از میان کتاب‌هایی که درباره‌ی نظریه‌های گریماس نوشته شده است، کتاب مبانی معناشناسی نوین از شعیری (۱۳۹۷)، مقدمه‌ای از مباحث و اصول معناشناسی را براساس مکتب پاریس آورده است و قصه‌ی عامیانه‌ی کچل مم سیاه را براساس اصول معناشناسی تحلیل و بررسی و مطالبی را درباره‌ی نظام معناشناختی گفتمان، بیان می‌کند. در کتاب نقصان معنا از گریماس (۱۳۹۸) وجه تمایز روایت مدرن و کلاسیک مشخص می‌گردد و به مباحثی چون نشانه‌معناشناسی نور، احساس و ادراک، جسمانی، گسست، گریز و به موضوع‌هایی مانند حضور زیبایی‌شناختی اُبژه و سوژه می‌پردازد؛ داستان‌ها و قصه‌هایی برای درک بهتر مفاهیم آورده شده است؛ کتاب نشانه‌معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی نیز از

شعیری (۱۳۹۵)، به معرفی و تبیین انواع نظام‌های گفتمانی براساس دیدگاه گریماس می‌پردازد و شاهد مثال‌هایی را برای درک بهتر مفاهیم آورده است. بنابراین کتاب، پایان‌نامه یا مقاله‌ای یافت نشد که به‌طور مستقیم و جامع به بررسی نشانه‌معناشناسی قصه‌ی «برگ مروارید» پرداخته باشد یا توضیحی درباره‌ی فرایندهای روایی و سازوکارهای تولید معنا و گفتمان‌های موجود در این قصه‌ها داده باشد.

#### ۴. چارچوب نظری

گریماس «روایت‌شناسی» را براساس نظریه‌ی ریخت‌شناسی پراپ استوار ساخت (رک. احمدی، ۱۳۷۰: ۱۶۱)؛ به بیان شعیری، او سال‌های زیادی از عمر خود را صرف ساختن نظامی منسجم، استوار، منطقی و برنامه‌مند در راستای تحلیل متن کرد (رک. گریماس، ۱۳: ۱۳۹۸). توجه اصلی گریماس و مکتب او بر ارتباط نشانه‌ها و نحوه‌ی تولید معنا درون یک متن یا گفتمان خاص است. او باور به وجود نظام معنایی داشت که در فرایند تحلیل متن یا گفتمان کشف می‌شود؛ زیرا ساختارهای دلالت به‌طور کامل تقطیع می‌شوند و این تفکر او به نام «الگوی زایشی» نام برده می‌شود. الگوی زایشی او برگرفته از مطالعات پراپ است؛ الگویی پویا که فرایند تجدید معنا را در داستان نشان می‌دهد. بر همین اساس، گریماس توانست نظام گفتمان روایی یا به‌عبارتی نشانه‌شناسی استاندارد را بنیان‌گذاری کند. او سپس تر از همه از کاربردهای روایت‌شناسی در شناخت سازمان‌های نظام‌های پیچیده‌ی نشانه‌شناختی دفاع کرده است (رک. السیسور، ۱۳۸۳: ۸۳). گریماس در نظام معنایی بر معناشناسی روساخت و ژرف‌ساخت متون تأکید دارد و بر این باور است که برای شناخت معنای متون باید به درک قاعده‌ها و معنای آن‌ها پرداخت زیرا این متون، نظام‌مند بوده و براساس اصولی بنیادین شکل گرفته است و همگام با فرایند برش یا تقطیع، این اصول و در پی آن معنا کشف می‌شود. پراپ شخصیت‌های حکایت‌های فولکلور مدنظرش را همسان با موضوع جمله می‌دانست، اما گریماس از ساخت مدنظر ویژه‌ی پراپ فراتر رفت و تلاش کرد تا دستور زبان داستان را بیاید. او به‌جای دسته‌بندی هفت‌گانه‌ی پراپ از شخصیت‌ها، سه دسته از تقابل‌های دوگانه‌ای را پیشنهاد داد که

براساس قاعده‌های معناشناسانه شکل می‌گیرند. روش «معناشناسی داستان» گریماس، با اصول رایج روش‌شناسی در معناشناسی همخوان است. تلاش گریماس بر این بود تا برپایه‌ی این الگوی کنش‌ها، بنیاد و شیوه‌ی پیدایش رخدادها را در داستان بیابد (رک. احمدی، ۱۳۷۰: ۱۶۱-۱۶۳). براساس دیدگاه گریماس همان‌گونه که برای فهم معنای یک جمله باید قاعده‌های دستوری آن را شناخت، برای درک و آشنایی با یک روایت نیز باید پی‌رفت‌ها و قاعده‌های مربوط به زبان داستان را بازشناخت. علم معناشناسی در ادبیات، چگونگی درک ژرف‌ساخت (محتوا و معنا) و روساخت‌های (فرم و ساختار کلی) یک روایت را آموزش می‌دهد.

#### ۴.۱. گفتمان

برای محقق‌شدن فرایند تولید معنا، باید ابتدا موقعیت گذر از صورت‌های بیان (روساخت) به‌سوی محتوا یا درونه‌های بیان (ژرف‌ساخت) فراهم شود و تنها عاملی که می‌تواند عملیات هدایت از ساختارهای برونه‌ای به ساختارهای درونه‌ای را انجام دهد، فعالیت گفتمانی یا گفتمان است که این ساختارها را به هم مرتبط می‌سازد (رک. شعیری، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۵). سه فرایند در شکل‌گیری یک گفتمان نقش دارند: ۱. فرایند گفته‌پردازی که سبب تولید گفته و گفتمان می‌شود؛ ۲. گفته‌پرداز، فردی که مسئولیت تولید گفته یا گفتمان را برعهده دارد؛ ۳. گفته که دستاورد عملیات گفته‌پردازی است (رک. شعیری، ۱۳۹۶: ۹). موضوع بحث ما گفتمان رمان‌محور است. گفتمان، دستاورد جریانی است که با کُنش یا شَوِشی ایجاد می‌شود و پیوندی میان اجزا به‌وجود می‌آید و از نتیجه‌ی همین پیوندهاست که گفتمان خلق می‌شود؛ بنابراین بهترین عرصه برای حصول گفتمان را می‌توان رمان، داستان و روایت دانست.

#### ۴.۱.۱. نظام‌های گفتمانی (کُنشی، تَنشی، شَوِشی و بُوشی)

نظام گفتمانی کنشی و عوامل آن: اولین گونه‌ی مهم گفتمان کنشی (هوشمند)، گفتمان برنامه‌مدار یا رفتار ماشین است که بر رابطه‌ی بین دو کنشگر و برنامه‌ی ازپیش‌تعیین‌شده دلالت می‌کند. در چنین نظامی یکی از دوطرف موظف به پیروی و هماهنگ‌شدن با



برنامه‌ای است که به او داده می‌شود (رک. شعیری، ۱۳۸۶: ۱۰۷). به باور گریماس، در چنین نظام‌های شناختی، روند بیشتر داستان‌ها از یک نقصان آغاز و به عقد قرارداد منتهی می‌شود. این قرارداد یا بین کنشگر و عامل دیگری از داستان است یا قراردادی است که کنشگر با خود می‌بندد (رک. عباسی و یارمند، ۱۳۸۹: ۱۵۰). کنش هم عملی است که همگام با تحقق یک برنامه می‌تواند سبب تغییر وضعیتی شود. پس از بستن قرارداد، کنشگر موظف است توانایی لازم را برای اجرای آن به دست آورد. سپس مرحله‌ی اصلی و فرایند انجام عملیات، یعنی کنش شکل می‌گیرد؛ بنابراین مراحل فرایند روایی را می‌توان به وجه زیر نشان داد (رک. شعیری، ۱۳۹۷: ۹۳):

#### عقد قرارداد ← توانش ← کنش ← ارزیابی

تغییر معنا با گذر از این مراحل اتفاق می‌افتد و عوامل گفتمانی در این موقعیت ایجاد می‌شوند. افزون‌بر قرارداد، ممکن است القا (گونه‌هایی برپایه‌ی تشویش، اغوا، تهدید، تحریک) و اخلاق سبب شکل‌گیری فرایندهای کنشی شود که بدین ترتیب طرح‌واره‌ای از فرایند کنشی به وجه زیر تشکیل می‌شود: نخست القا، سپس توانش، بعد کنش و در آخر ارزیابی شناختی و عملی؛ بنابراین نظام گفتمانی هوشمند شامل نظام‌های کنشی، القایی و مرام‌مدار است (رک. شعیری، ۱۳۹۶: ۶۷ و ۶۶). در نظام گفتمانی هوشمند، شش عامل گفتمانی وجود دارد. کنش‌گزار<sup>۱</sup> (عامل سببی یا بدعت‌گذار)، کنش‌پذیر<sup>۲</sup>، کنشگر، مفعول‌ارزشی<sup>۳</sup>، کنش‌یار<sup>۴</sup> (عامل کمکی)، ضد کنشگر<sup>۵</sup> (عامل مخرب) (رک. عباسی و یارمند، ۱۳۹۰: ۱۵۲) و مناسباتی نحوی و معنایی میان این شش واحد برقرار است. گاه ممکن است هر شش دسته در حکایتی ظاهر شوند و گاه برخی از آنان (احمدی، ۱۲۷۰: ۱۶۳). گفتنی است که در داستان‌های امروزی دو نمونه از این نقش‌ها (کنش‌گزار و ارزش)، در بیشتر نمونه‌ها اصلاً شخصیت نیستند. همچنین چیزهای گوناگونی که در روایت‌های

1. sender  
2. receiver  
3. Object  
4. helper  
5. opponent

خود هدف به حساب می‌آوریم و انواع کمک‌های ویژه‌ای که ممکن است کنش‌گر (فاعل) در راه کاوش خود دریافت کند، انتزاعی هستند (رک. تولان، ۱۳۹۳: ۱۵۱).

نظام گفتمانی تَنَشی: نظام گفتمانی تَنَشی یا مبتنی بر کنش است یا کنش در آن اهمیت چندانی ندارد و هر اُبژه برای سوژه، حضوری محسوس دارد، حضوری که می‌تواند آن را با حواس خود درک کند. پیش از شناخت یک اُبژه ابتدا باید ویژگی‌های ملموس آن درک شود؛ اینکه هوا سرد است یا گرم، زیر است یا نرم، ثابت است یا متحرک و سیال است یا صُلَب. این حضور محسوس به‌گونه‌ای هم‌زمان، براساس دو بعد گستره (بسط) و فشاره (قبض) بیان می‌شود؛ به بیان دیگر کیفیت‌های محسوس از دو گونه‌ی فشاره‌ای و گستره‌ای درک می‌شوند (رک. پاکتچی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۳).

نظام گفتمانی شَوَشی: دومین نظام گفتمانی نظامی است که معنا در آن به تبعیت از سه گونه‌ی تنشی عاطفی، حسی ادراکی و زیبایی‌شناختی بروز می‌کند. آنچه در تقابل با کنش قرار دارد و روند پس از تغییر را دربر می‌گیرد، شَوَش است. شَوَش از مصدر شدن؛ حالتی را که عامل گفتمانی در آن قرار دارد، توصیف می‌کند (رک. شعیری، ۱۳۸۸: ۱۲). در یک نظام گفتمانی، ممکن است ما فقط کنش و فعالیت را نبینیم؛ بلکه با دگرگونی ویژگی‌های روحی و احساسی روبه‌رو شویم که این تغییر ویژگی روحی (اندوه، شادی، امید و...)، از ویژگی‌های شَوَشی یک گفتمان است (خراسانی، ۱۳۹۸: ۶۲).

نظام گفتمانی بُوَشی: پس از عبور از نشانه‌معناشناسی منطقی و برنامه‌محور که در جهت دگرگون‌کردن شرایط نابسامان، گفتمانی هوشمند برپایه‌ی کنش شکل می‌گرفت و همچنین پس از رسیدن به نشانه‌معناشناسی عاطفی و سیال که در آن تنها براساس شَوَش و خلسه و جریان‌های حسی ادراکی در وضعیتی شَوَشی با توجه به حضور سوژه و وصول به مفعول ارزشی که می‌توانست فقط یک دگرگونی حالتی باشد، گفتمان شَوَشی به وجود می‌آمد؛ اکنون با گفتمانی روبه‌رویم که شَوَش و کنش در شکل‌گیری آن نقشی ندارد و با توجه به سوژه‌ای که در پی «بودن» است، شکل می‌گیرد.

۲.۴. مربع معناشناسی<sup>۱</sup>

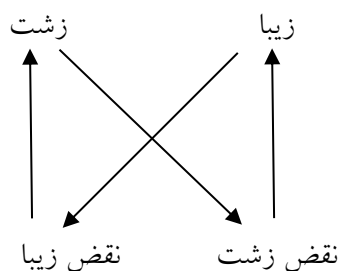
گریماس در ژرف‌ترین سطح متن، بحث مربع معناشناسی را مطرح می‌کند که جایگاهی برای مفاهیم بنیادین و انتزاعی روایت است؛ داده‌های انتزاعی در ژرف‌ساخت که در مربع معناشناسی آشکار شده‌اند، در این سطح از سیر زایشی، همانند تنش‌هایی ناب در روساخت پدیدار می‌شوند که گریماس آن‌ها را کنشگر یا نقش‌های عاملی نامید (معین، ۱۳۸۲: ۱۸۱). مربع معنایی از چهار واژه به‌وجود آمده که می‌توان آن‌ها را چهار موقعیت روی مربع قرار داد. از مجموع این چهار موقعیت نیز سه نوع ارتباط به‌دست می‌آید:

الف) ارتباط تقابل تضادی که روی محور متضادها، میان دو واژه‌ی بالایی مربع (زشت و زیبا) وجود دارد.

ب) ارتباط تقابل تناقضی که میان یک متضاد و نفی آن ایجاد می‌شود (زیبا و نقض زیبا).

ج) ارتباط تقابل تکمیلی که میان یک نفی متضاد و واژه‌ی مثبت برقرار می‌شود (نقض زیبا و زیبا).

برپایه‌ی این سه ارتباط، سه محور متضادها، متناقض‌ها و مکمل‌ها صورت می‌پذیرد که می‌توان آن‌ها را در طرح‌واره‌ی زیر نمایش داد (رک. شعیری، ۱۳۹۷: ۱۳۰ و ۱۳۱):



<sup>۱</sup>. Semiotic Square

## ۵. تحلیل قصه‌ی برگ مروارید

## ۵. ۱. خلاصه‌ی قصه

حاکم شهری نابینا بود و سه پسر داشت که هرکدام از یک مادر بودند؛ روزی درویشی به خانه‌ی حاکم می‌آید و راه دستیابی به دوای چشم حاکم را به آن‌ها می‌گوید. پسران به دستور حاکم راهی سفر می‌شوند. در راه بر سر دوراهی با لوح‌نوشته‌ای مواجه می‌شوند و برای اینکه بتوانند به مراد خود برسند، به‌ناچار از یکدیگر جدا می‌شوند؛ دو نفر از یک مسیر و برادر دیگر از راهی دیگر می‌روند. برادران بزرگ‌تر که از راهی دیگر رفته بودند به شهری می‌رسند و کاری پیدا می‌کنند؛ اما برادر کوچک‌تر، ملک‌محمد، به قلعه‌ای می‌رسد که متعلق به دیوها بود... ملک‌محمد با یکی از دیوها درباره‌ی دوای چشمان پدرش صحبت می‌کند؛ اما دیو برای او شرط کشتی‌گرفتن می‌گذارد که در صورت پیروزشدن ملک‌محمد، غلام او می‌شود؛ اما در صورت باخت، او را خام‌خام خواهد خورد. ملک‌محمد پس از آنکه شرط را می‌برد، خداحافظی کرده و قلعه را ترک می‌کند و پس از آن در قلعه‌ی دوم و سوم هم همان اتفاق تکرار می‌شود. دیو قلعه‌ی سوم، پس از آنکه هدف ملک‌محمد را می‌فهمد و در کشتی مغلوب وی می‌شود، غلام حلقه به گوش می‌شود و با ارائه‌ی اطلاعات و سفارش‌هایی، ملک‌محمد را تا رسیدن به محل برگ مروارید همراهی می‌کند. ملک‌محمد تمام کارهای شگفت و سختی که دیو به او گفته بود در راه دستیابی به برگ مروارید انجام می‌دهد و پس از آن با دیو به سمت قلعه برمی‌گردند. فردای آن روز، دیو قلعه‌ی سوم، خواهرش را به نامزدی ملک‌محمد درمی‌آورد؛ ملک‌محمد به‌اتفاق دختر به قلعه‌ی دوم و اول می‌رسند؛ دیوهای آن دو قلعه همان کار را تکرار می‌کنند؛ سپس ملک‌محمد به‌اتفاق سه دختر به شهرش برمی‌گردد. زمانی که بر سر دوراهی می‌رسند به یاد برادرهایش می‌افتد؛ بنابراین دخترها را بر سر چشمه‌ای گذاشته و به شهر می‌رود تا برادرهایش را پیدا کند. در شهر برای برادرهایش لباسی می‌خرد و به‌همراه آن دو به نزد دختران می‌روند؛ پس از آن، ملک‌محمد قصد استراحت می‌کند. برادران که نمی‌خواستند در مقابل پدرشان بی‌عرضه جلوه کنند،

ملک محمد را به داخل چاهی می‌اندازند و همراه دو دختر به سمت شهرشان حرکت می‌کنند. اما دختر کوچک‌تر همراه آن‌ها نرفته و به کمک ریسمانی که از شهر پیدا کرده بود، ملک محمد را از چاه بیرون می‌کشد. برادران ملک محمد زمانی که به نزد پدر می‌رسند، برگ مروارید را بر چشمانش می‌گذارند و شفا می‌یابد؛ سپس به دروغ خبر کشته شدن ملک محمد را می‌دهند. با این خبر مادر ملک محمد در وضعیت بدی قرار می‌گیرد. به دستور حاکم او را داخل پوستی با جیره‌ای مختصر بر پشت بام حمام می‌گذارند. ملک محمد نیز به همراه دختر کوچک‌تر به سمت شهر پدرش می‌آید. صاحب برگ مروارید نیز با قالیچه‌ی سلیمان راهی شهر حاکم می‌شود؛ جایی که برگ مروارید را برده بودند. فردای آن روز، صاحب برگ مروارید حاکم را تهدید می‌کند که یا دزد برگ مروارید را به او تحویل دهد یا شهرش را با خاک یکسان می‌کند. دو پسر حاکم برای جازدن خود به جای ملک محمد حاضر می‌شوند؛ اما نمی‌توانند پاسخ درستی به دختر بدهند. حاکم شک می‌کند و به پسرانش می‌گوید که «نکنند بلایی به سر برادران آورده باشید؟» پس از آن غلامش را می‌فرستد تا سری به اتاق ملک محمد بزند. ملک محمد که شب قبل به همراه دختر به خانه آمده و در اتاقش مانده بود؛ در اتاق را باز می‌کند و پدرش را می‌بیند و به او به خاطر بلایی که به سر مادرش آمده، شکایت و اعتراض می‌کند. پس از آن حاکم از ملک محمد درخواست می‌کند که به سراغ صاحب برگ مروارید برود و جواب او را بدهد. ملک محمد به سراغ دختر می‌رود و دختر از او سؤالاتی می‌پرسد. پس از آنکه مطمئن می‌شود، به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد و ملک محمد نیز می‌پذیرد. پس از آن‌ها از پدر و برادرهایش گله و شکایت می‌کند که چرا جواب خوبی‌های او را با بدی داده‌اند؟ سپس جفت شیرهای نر و ماده و پلنگی را صدا می‌زند و از آن‌ها می‌خواهد که برادران و پدرش را بخورند. بعد از این، با صاحب برگ مروارید و سه خواهر دیوها ازدواج می‌کند و حاکم شهر پدرش می‌شود.

## ۵. ریخت‌شناسی قصه‌ی برگ مروارید

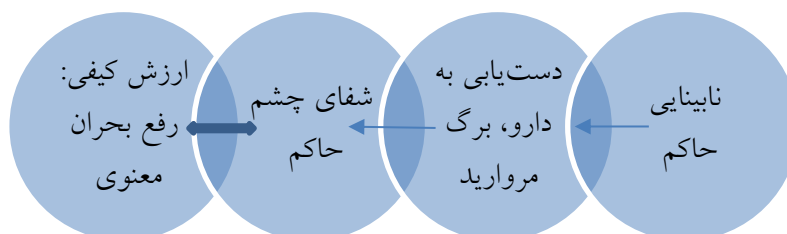
پی‌رفت‌های این قصه را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد.

## جدول ۱. پی‌رفت‌ها و خویشکاری‌ها

ردیف	پی‌رفت‌های قصه	خویشکاری
۱	حاکم شهری نابیناست/ سه پسر دارد.	وضعیت آغازین
۲	درویشی راه دستیابی به دوا‌ی چشم را به حاکم می‌گوید.	یاربگر خیر(آغازین)
۳	سه پسر راهی سفر می‌شوند.	غیبت و سفر
۴	بر سر دوراهی جدا می‌شوند.	جدایی شخصیت‌ها در سفر
۵	برادر کوچک به قلعه‌ای وارد می‌شود که از آن دیو است.	ظهور شخصیت شریر قصه
۶	ملک محمد درباره‌ی برگ مروارید به دیو اطلاعات می‌دهد.	شیء جادویی/ درمانگر
۷	دیو شرط می‌گذارد که کشتی بگیرند.	شرط شریر و اغوا
۸	ملک محمد پیروز می‌شود و قلعه را ترک می‌کند.	نجات اولیه‌ی شخصیت
۹	دیو قلعه‌ی سوم هم شکست می‌خورد و تا رسیدن به برگ مروارید همراهی‌اش می‌کند.	دست‌یافتن به شیء جادویی
۱۰	ملک محمد از حرف‌های دیو پیروی می‌کند.	سرپیچی نکردن از نهی
۱۱	ملک محمد با همراهی سه خواهر دیوهای سه قلعه، قصد برگشت به خانه دارد.	بازگشت شخصیت اصلی/ قهرمان
۱۲	یافتن دو برادر بزرگ‌تر و سپس در راه جنگل، به چاه انداختن برادر کوچک.	زندانی کردن قهرمان
۱۳	دختر قلعه‌ی سوم ملک محمد را نجات می‌دهد.	نجات و رهایی قهرمان
۱۴	برگ مروارید را دو برادر بزرگ‌تر به پدر/ حاکم می‌رسانند.	رساندن شیء جادویی به مقصد
۱۵	دو برادر در حق برادر کوچک بدسگالی کرده‌اند.	فریب و اغوای پدر
۱۶	دو برادر خبر مرگ ملک محمد را به حاکم می‌دهند.	خبر دورغین
۱۷	مادر ملک محمد بدحال می‌شود و آن را در پوست درختی بالای بام می‌گذارند.	زندانی کردن مادر قهرمان

۱۸	صاحب برگ مروارید (زنی) با قالیچه‌ی سلیمان به دنبال برگ مروارید نزد شهر حاکم می‌آید.	تعقیب شیء و قهرمان
۱۹	صاحب برگ مروارید حاکم را به مرگ و خراب کردن شهرش تهدید می‌کند.	تهدید کردن
۲۰	طرح سؤال از دو برادر فریب‌کار و ناتوایی از پاسخ درست.	درماندگی در پاسخ به سؤال
۲۱	ظهور ناگهانی قهرمان و پاسخ دادن به صاحب برگ مروارید.	حل مسئله
۲۲	درخواست ازدواج با زن صاحب برگ مروارید به ملک محمد و پذیرش آن.	صورت اصلی ازدواج
۲۳	به دستور ملک محمد دو شیر و یک پلنگ پدر و برادران فریب‌کارش را می‌خورد.	مجازات بدکاران
۲۴	ازدواج ملک محمد با صاحب برگ مروارید و به اورنگ پادشاهی نشستن.	ازدواج و به تخت نشستن قهرمان

روایت برگ مروارید از چهار زنجیره‌ی گفتمان کنشی تشکیل شده است که هرکدام از این زنجیره‌ها به شیوه‌ای روایت را پیش می‌برند؛ اما فقط یک گفتمان اصلی در مرکز این روایت وجود دارد که گفتمان‌های دیگر حول محور او پیش می‌روند. روایت در باب حاکمی بدعت‌گذار است که از پسرانش می‌خواهد برای درمان چشم‌هایش به دنبال برگ مروارید بروند. اتصال به ابژه‌ی ارزشی برای پسران پادشاه، ارزشی معنوی دارد، زیرا دست‌یابی به برگ مروارید، شفای چشم پدرشان را در پی خواهد داشت. با توجه به مطالبی که گفته شد، فرایند کنشی براساس رویکرد ارزشی این روایت را می‌توان به وجه زیر ترسیم کرد:



شکل ۱. فرایند کنشی با رویکرد ارزشی (رک. شعیری، ۱۳۹۵: ۲۳)

## ۵.۳. زنجیره‌ی اول

## ۵.۳.۱. گفتمان کنشی تجویزی

پسران حاکم با نقصانی مواجهند که برای رفع آن چاره‌ای جز اجرای کنش ندارند. رابطه‌ی میان حاکم با پسرانش رابطه‌ای از بالا به پایین است و پسران که توان مقاومت در برابر پدر را ندارند، گویی فعل «خواستن» به وسیله‌ی «بایستن» به آن‌ها تحمیل شده است؛ یعنی جبر و ضرورتی که از بیرون بر آن‌ها وارد می‌شود، سبب شده تا به ناچار به این کنش روی آورند. در چنین وضعیتی آن‌ها حضوری مجازی دارند؛ زیرا در آستانه‌ی کنش قرار گرفته‌اند. درویشی که اطلاعاتی را درباره‌ی برگ مروارید می‌دهد، کنش‌یاری است که سبب می‌شود دانش کنشگران به توانستن تبدیل و توانایی‌شان تکمیل شود: «در سر راه برگ مروارید سه قلعه است و در هر قلعه یک دیو زندگی می‌کند. باید بروند و با آن دیوها کشتی بگیرند و آن‌ها را به زمین بزنند و حلقه در گوش آن‌ها بکنند؛ آن وقت آوردن برگ مروارید را دیوها یادشان می‌دهند» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۲: ۱۹۱). در این مرحله کنش‌گران حضوری کنونیّت یافته دارند؛ زیرا آمادگی انجام فرایند کنشی را کسب نموده‌اند و در واقع مرحله‌ی اول فرایند تحولی کلام (آزمون آماده‌سازی) را پشت سر گذاشته‌اند؛ بنابراین آن‌ها که دیگر تردیدی درباره‌ی کنش ندارند، برای انجام عملیات راهی می‌شوند. کنشگران در مرحله‌ی آزمون اصلی بر سر یک دوراهی با لوح‌نوشته‌ای مواجه می‌شوند که آن‌ها را در رسیدن به اُبژه‌ی ارزشی راهنمایی می‌کند. سپس به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ دو برادر از یک راه و برادر دیگر که کوچک‌تر بود، راه دگر را پیش می‌گیرند. کنشگر اصلی روایت، ملک‌محمد که برادر کوچک‌تر است؛ در راه خود با قلعه‌ای مواجه می‌شود که متعلق به یک دیو است.



## ۵. ۴. زنجیره‌ی دوم

## ۵. ۴. ۱. گفتمان کنشی‌القایی

در این بخش با گفت‌وگوها و تعامل‌هایی که میان کنشگر و ضدکنشگر اتفاق می‌افتد، گفتمانی دیگر در میان گفتمان اصلی پدید می‌آید؛ این گفتمان از نوع کنشی‌القایی است. پس از آن که ملک محمد با وساطت دیو دختر از گزند برادرش در امان می‌ماند؛ دوطرف تعامل یعنی ملک محمد و دیو برادر در موقعیتی یکسان و موازی به گفت‌وگو می‌پردازند. ملک محمد درباره‌ی برگ مروارید و نابینا بودن پدرش با دیو سخن می‌گوید، دیو برادر نیز از راه ترغیب و گذاشتن شرط او را متقاعد می‌کند و به سمت کنشی که می‌خواهد (کشتی گرفتن) سوق می‌دهد؛ «ای ملک محمد رسم ما این است که هر آدمیزادی اینجا بیاید ما با او کشتی می‌گیریم؛ اگر ما را به زمین زد غلام حلقه‌به‌گوش او می‌شویم و اگر ما او را به زمین زدیم گوشت او را خام‌خام می‌خوریم» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۲: ۱۹۲)؛ بدین ترتیب با پذیرفتن این شرط، پیمانی میان ملک محمد و دیو بسته می‌شود و کنش آغاز می‌گردد. ملک محمد با دیو برادر کشتی می‌گیرد و او را غلام حلقه‌به‌گوش خود می‌کند. در این گفتمان دیو برادر ضدکنش‌گری است که مانع وصال کنشگر با اُبژه‌ی ارزشی می‌شود، اما پس از تعامل با ملک محمد در جایگاه کنش‌گزار قرار گرفته و با عملیات القایی او را به سوی کنش و هدف خود هدایت می‌کند؛ پس از انجام کنش نیز، دیو به کنش‌یار بدل می‌شود. ملک محمد پس از عملیات، به راه خود ادامه داده و به قلعه‌ی دوم و بعد سوم می‌رسد و با دو دیو دیگر هم کشتی گرفته و آن‌ها هم غلام حلقه‌به‌گوش او می‌شوند. دیوها با به‌نامزدی درآوردن خواهرهایشان برای ملک محمد به او پاداشی پس از ارزیابی کنش می‌دهند. بنابر اینها، فرایند شکل‌گیری این گفتمان را می‌توان به وجه زیر ترسیم کرد:

جدول ۲ شکل‌گیری نظام گفتمانی کنشی‌القایی (رک. شعیری، ۱۳۹۵: ۳۲)

عملیات القایی	فرایند کنشی	گسست یا پیوست با اُبژه‌ی ارزشی	ارزیابی کنش توسط کنش‌گزار شناختی کاربردی
مجاب‌سازی ملک‌محمد برای کشتی‌گرفتن با دیوها	پیمان ملک‌محمد با دیوها	کشتی‌گرفتن ملک‌محمد با دیوها	پیروزی ملک‌محمد در برابر دیوها پی‌بردن دیوها به حلقه به گوش‌شدن و به مرام پهلوانی به نامزدی درآوردن ملک‌محمد خواهرهایشان برای ملک‌محمد و کمک به او

## ۵.۵. زنجیره‌ی سوم

## ۵.۵.۱. ادامه‌ی زنجیره‌ی اول (گفتمان کنشی‌تجویزی)

از اینجا مسیر گفتمان بار دیگر به سمت گفتمان کنشی‌تجویزی که گفتمان اصلی این روایت است، تغییر می‌کند. دیو قلعه‌ی سوم، کنش‌یاری است که به ملک‌محمد چگونگی به‌دست‌آوردن برگ مروارید را آموزش می‌دهد و او را با دو اسب بادپیما تا پای باغ همراهی می‌کند. ملک‌محمد همراه سه دختر به سر دوراهی بازمی‌گردد و دخترها را پای چشمه‌ای می‌گذارد. پس از آن به دنبال برادرهایش می‌رود که از راه دیگر به شهری رسیده بودند. با آوردن برادرهایش، قصد استراحت می‌کند؛ اما برادران ملک‌محمد که در ابتدای روایت برای دست‌یابی به اُبژه‌ی ارزشی با او همراه شدند، در این بخش از روایت به عوامل مخربی تبدیل می‌شوند و برای آنکه در مقابل پدر شرمگین نباشند؛ برادر کوچک‌تر را به درون چاهی می‌اندازند و همراه دو دختر دیگر به شهر خود می‌روند: «اگر ما به شهر برویم پدر ما بفهمد که برگ مروارید را آنکه از ما کوچک‌تر است آورد همی‌گوید شما بی‌عرضه هستید، بهتر است او را از بین ببریم» (انجوی‌شیرازی، ۱۳۵۲: ۱۹۳)؛ گویی ملک‌محمد به جرم برادر کوچک‌تر بودن، حق وصال با اُبژه‌ی ارزشی را ندارد و در نتیجه،

عامل فاعلی سیری نزولی را در فرایند تحولی کلام طی می‌کند و از حالت وصال به انفصال اُبژه‌ی ارزشی می‌رسد. دختر کوچک‌تر که نامزد ملک‌محمد بود، یاری‌گری است که به کمک ریسمانی او را از چاه نجات می‌دهد و هر دو به سمت شهر پدرش بازمی‌گردند. دو برادر ملک‌محمد عاملان مخرب قصه، برگ مروارید را در چشمان پدر می‌کنند و وی شفا می‌یابد. سپس با بدگویی از ملک‌محمد سبب می‌شوند تا مادر او در وضع بدی قرار بگیرد. با توجه به این توضیحات، فرایند شکل‌گیری این نظام گفتمانی را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:

جدول ۳. شکل‌گیری نظام گفتمانی کنشی تجویزی (رک. شعیری، ۱۳۹۵: ۲۹)

ارزیابی کنش توسط کنش‌گزار شناختی کاربردی	تحقق فرایند کنشی توسط کنشگر	قرارداد، میثاق یا پیمان کنشی بین کنش‌گزار و کنشگر	نقصان ارزشی، نابسامانی یا بحران ارزشی
ملاقات با حاکم، ارزیابی اشتباه تنبیه مادر ملک‌محمد حاکم با اطلاعات به خاطر اشتباه او غلط از سوی پسران بزرگش	به دست آوردن برگ مروارید	پیمان پسران با حاکم	نابینایی حاکم

#### ۵.۶. زنجیره‌ی چهارم

#### ۵.۶.۱. گفتمان کنشی تجویزی

قهرمان قصه که تاکنون براساس منطق و برنامه‌ای مشخص پیش می‌رفت، این بار به کنشی خودمحور دست می‌زند که از احساسات درونی او سرچشمه می‌گیرد. او که تاکنون از پدر و برادرانش جز نامهربانی و خیانت چیزی ندیده بود، برای فرونشاندن آتش خشم و تغییر شرایط خود چاره‌ای جز اجرای کنش نمی‌بیند؛ بنابراین با اراده‌ای قلبی و جبری درونی (نیروی انتقام) در آستانه‌ی کنش قرار می‌گیرد؛ در چنین وضعی او کنشگری خودخواسته است که حضوری مجازی دارد. پس از آنکه برادران ملک‌محمد نمی‌توانند

خود را به دختر پریان ثابت کنند، پدرشان به سراغ ملک محمد می‌رود. ملک محمد نیز به نزد صاحب برگ مروارید می‌رود و خود را ثابت می‌کند؛ سپس پدر و برادرانش را به حضور می‌طلبد و رو به قشون صاحب برگ مروارید می‌کند و دست به کنشی پیش‌بینی نشده می‌زند: «جفت شیرهای نر و ماده را صدا زد. گفت: چند روزه گرسنه‌اید؟ گفتند: یک هفته است گرسنه‌ایم. گفت: دو برادرم را بخورید. آن‌ها بخوردند. پلنگ را صدا زد و گفت: تو هم پدرم را بخور» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۲: ۱۹۶). شیرها و پلنگ هر دو یاری‌گرانی هستند که کنشگر را در انجام کنش یاری می‌دهند؛ تحقق حضور کنشگر نیز با گفته‌ای کنشی به پایان می‌رسد: «بعد با دختر ازدواج کرد و حاکم آن شهر شد» (همان).

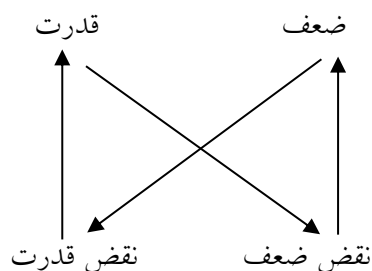
#### جدول ۴. دسته‌بندی کاربرد عوامل نظام گفتمانی کنشی برپایه‌ی تحلیل متن

گونه‌های متنی عوامل گفتمانی	کنشی تجویزی	کنشی القایی
کنش گزار	حاکم / نیروی انتقام	دیو برادر
کنشگر	پسران پادشاه / ملک محمد	ملک محمد
کنش پذیر	حاکم / ملک محمد	ملک محمد
کنش یار	درویش، لوح نوشته بر سر دوراهی، دیو قلعه‌ی سوم، دختر کوچک‌تر نامزد ملک محمد / شیرها و پلنگ	دیو خواهر
ضد کنشگر	برادران ملک محمد / _____	_____
اُبژه‌ی ارزشی	به دست آوردن برگ مروارید - انتقام از پدر و برادران	پیروزی در کشتی با دیوها

#### ۵.۷. بازنگری متن براساس مربع معناشناسی

در ابتدای روایت، قهرمان قصه در وضعیت ضعف به سر می‌برد که در برابر فرمان پدر چاره‌ای جز اجرای کنش ندارد؛ اما از زمانی که برای یافتن برگ مروارید از خانه بیرون می‌رود، به این ضعف «نه» می‌گوید و آن را نقض می‌کند. به این ترتیب می‌توان تمام

رخدادها و وقایعی را که ملک محمد یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد، گونه‌ای نقض ضعف دانست تاجایی که این شخصیت اصلی پس از گذر از این مراحل به مقام پادشاهی می‌رسد و در موضع قدرت قرار می‌گیرد. بنابراین کنشگر از ضعف به سوی قدرت حرکت می‌کند: «جفت شیرهای نر و ماده را صدا زد و گفت: چند روزه گرسنه‌اید؟ شیرها به‌زبان آمدند و گفتند: یک هفته است گرسنه‌ایم. گفت: دو برادرم را بخورید. آن‌ها را بخوردند. بعد پلنگ را صدا زد و گفت: ای پلنگ چند روز است گرسنه‌ای؟ گفت: پنج‌روزه. گفت: تو هم پدرم را بخور. بعد با دختر ازدواج کرد و حاکم آن شهر شد» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۲: ۱۹۶). بنابراین برای نشان‌دادن فرایند حرکت ملک محمد، می‌توان مربع معناشناختی زیر را ترسیم کرد:



شکل ۲. طرح‌واره‌ی فرایند کنشی (رک. از شعیری، ۱۳۹۷: ۱۳۱)

نکته‌ای که در پایان درخور توجه است، امکان دو برداشت از داستان است: یکی اینکه شاکله‌ی اصلی داستان را از رفتن برای یافتن برگ مروارید و جدال با دیوها و برگشت و بینایی حاکم دانست و دیگر اینکه پایان‌بندی داستان را که بیانگر مرگ شاه و برادران و به‌حکومت‌رسیدن ملک محمد است، زنجیره‌ی پایانی بینگاریم که تجزیه و تحلیل مربع معنایی داستان هم قابلیت تطبیق بیشتری داشته باشد.

به‌واقع چه از دیدگاه گفتمان‌کنشی و تجویزی و القایی...، چه از دیدگاه مربع معنایی که هر دو در این مقاله آمده است و چه از منظر زنجیره‌های سه‌گانه‌ی میثاقی، انفصالی، ارجاعی که در اینجا نیامده؛ این داستان دو وجه پیدا می‌کند: یکی این که خط یافتن برگ مروارید را تا بینایی حاکم دنبال کنیم، دیگر اینکه تمام داستان را در این مطالعه لحاظ کنیم

تا بتوان برگ مروارید را که باعث بینایی چشم پدر شد، باعث بینایی و بصیرت ملک محمد دانست، گویی که ملک محمد از آغاز برای یافتن بصیرت خود به راه افتاده است.

### ۶. نتیجه‌گیری

قصه‌ی عامیانه‌ی «برگ مروارید» همان گونه که دارای ریخت‌شناسی سنتی و هم‌سو با خویشکاری‌های مدنظر پراپ بوده است، در زمینه‌ی نشانه‌معناشناختی نیز می‌گنجد. گفتمان حاکم بر روایت «برگ مروارید» گفتمان کنشی تجویزی است که در زنجیره‌های اول و سوم، فرایند روایی را پیش‌می‌برد؛ سپس در زنجیره‌ی آخر (زنجیره‌ی چهارم) روایت را به‌پایان می‌رساند؛ زنجیره‌ی دوم نیز در راستای این گفتمان شکل می‌گیرد. بنابراین گفتمان کنشی تجویزی را می‌توان در پیشبرد روایت «برگ مروارید» مؤثر دانست؛ زیرا بدون این گفتمان جریان روایت ناتمام خواهد ماند. در شکل‌گیری گفتمان‌های روایت «برگ مروارید» اصل کنش دخیل است، زیرا فقط کنش ملک محمد است که می‌تواند سبب دگرگونی شرایط و بهبود اوضاع شود، نه اوضاع روحی یا عاطفی او. اگر ملک محمد به‌همراه برادرانش برای تغییر شرایط و دست‌یابی به آبژه خانه را ترک نمی‌کرد، با دیوها کشتی نمی‌گرفت و پیروز نمی‌شد و پس از آن ماجرا را برای پدرش شرح نمی‌داد، هرگز نمی‌توانست به جایگاهی که لیاقتش را داشت برسد و صاحب تخت و تاج پادشاهی شود. بنابراین هیچ‌کدام از این تغییرات بدون کنش ملک محمد امکان‌پذیر نبود. حاصل بررسی این بود که کنشگر (ملک محمد) برای دگرگون کردن معنای موجود و عبور از وضعیت اولیه، باید ابتدا وضع پیشین (ضعف) خود را نقض می‌کرد، سپس به‌سوی وضعیتی ثانویه (قدرت) با معنایی جدید پیش می‌رفت. فرایند روایی تغییر معنا نیز در قصه‌ی «برگ مروارید»، با گذر از مراحل عقد قرارداد، عملیات اصلی (توانش و کنش) و ارزیابی شناختی و عملی اتفاق افتاده است.

### منابع

احمدی، بابک. (۱۳۷۰). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز.

السیسور، ت، ا. پوپ. (۱۳۸۳). *مروری بر مطالعات نشانه‌شناختی سینما*. ترجمه‌ی فرهاد ساسانی، تهران: سوره‌ی مهر.

انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم. (۱۳۵۲). *قصه‌های ایرانی*. ج ۱، تهران: امیرکبیر.  
پاکتچی، احمد و همکاران. (۱۳۹۴). «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره‌ی قارعه باتکیه بر نشانه‌شناسی تنشی». *جستارهای زبانی*، سال ۶، شماره‌ی ۲۵، صص ۳۹-۶۸.  
پراپ، ولادیمیر. (۱۳۹۷). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: توس.

تولان، مایکل. (۱۳۹۳). *روایت‌شناسی درآمدی زبان‌شناختی-انتقادی*. ترجمه‌ی سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت.

جباری، جعفر. (۱۳۹۵). *بررسی رمان پل معلق محمد رضا بایرامی براساس نظریه‌ی پراپ و گریماس*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه محقق اردبیلی.

حدادی‌نیا، سعیده. (۱۳۹۵). *بررسی نشانه‌معناشناسی روایت در رمان‌های عباس معروفی براساس نظریه‌ی روایی گریماس (مطالعه‌ی موردی: رمان‌های سمفونی مردگان، سالبلوا و پیکر فرهاد)*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه رازی.

خراسانی، فهیمه. (۱۳۸۹). *بررسی ساختار روایی داستان سیاوش بر پایه‌ی نظریه‌ی نشانه‌معناشناسی روایی گریماس*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

روشنفکر، کبری و همکاران. (۱۳۹۱). «نشانه‌معناشناسی ساختار روایی داستان (و ماتشاوون) براساس نظریه‌ی گریماس». *نقد ادب معاصر عربی*، سال ۲، شماره‌ی ۳، صص ۴۰-۶۲.

سلیمی، سمیرا. (۱۳۹۱). *تحلیل ساختاری قصه‌های کتاب گل به صنوبر چه کرد براساس نظریه‌های ولادیمیر پراپ*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه شهرکرد.

شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۶). «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه‌معناشناسی». *مجموعه‌ی مقالات دانشگاه علامه طباطبایی*، سال ۹، شماره‌ی ۲۱۹، صص ۱۰۶-۱۱۹.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *نشانه‌معناشناسی دیداری نظریه و تحلیل گفتمان هنری*.

تهران: سخن.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). *نشانه‌معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی*. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶). *تجزیه و تحلیل نشانه‌معناشناختی گفتمان*. تهران: سمت
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). *مبانی معناشناسی نوین*. تهران: سمت.
- شعیری، حمیدرضا؛ وفایی، ترانه. (۱۳۸۸). *ققنوس راهی به نشانه‌معناشناسی سیال*. تهران: علمی و فرهنگی.
- عباسی، علی. (۱۳۹۵). *روایت‌شناسی کاربردی (تحلیل زبان‌شناختی روایت: تحلیل کاربردی بر موقعیت روایی عنصر پیرنگ و محوروایی در روایت‌ها)*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عباسی، علی؛ یارمند، هانیه. (۱۳۹۰). «عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه‌معناشناختی ماهی سیاه کوچولو». *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، سال ۲، شماره‌ی ۳ (پیاپی ۷)، صص ۱۴۷-۱۷۲.
- گریماس، آلژیرداس ژولین. (۱۳۹۸). *نقصان معنا*. ترجمه و شرح حمیدرضا شعیری، تهران: خاموش.
- معین، بابک. (۱۳۸۲). «رابطه‌ی نشانه‌شناسی معناشناسی و ادبیات کودک». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، سال ۷، شماره‌ی ۷۶، صص ۱۷۹-۱۸۷.
- نبی‌لو، علیرضا. (۱۳۹۲). «بررسی ساختار روایی داستان کودکان برمبنای نظریه‌ی گریماس». *کاوش‌نامه*، سال ۱۴، شماره‌ی ۲۶، صص ۱۴۷-۱۷۲.
- نصیحت، ناهید و همکاران. (۱۳۹۲). «بررسی نشانه‌معناشناختی ساختار روایی داستان کوتاه جبل‌گالورید». *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، سال ۹، شماره‌ی ۲۸، صص ۸۹-۱۱۰.
- نیازی، فاطمه. (۱۳۹۴). *تحلیل داستان‌های کودکان برمبنای نظریه‌ی گریماس در افسانه‌های کهن*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه قم.